

تحلیلی پیرامون قلمرو کوچ نشینان ایران

نصراله مولائی هاشجین^{*۱}

۱. استاد گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
* نویسنده مسئول، Email: nmolaeih@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۹ خرداد ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: ایران بنا به موقعیت خاص جغرافیایی خود، یکی از مهمترین مناطق کوچ نشینی در جهان به شمار می رود. بطوریکه مظاهر فرهنگی کوچ نشینان در تمام شئونات این کشور نفوذ کرده است و سرزمینی است که با کوچ نشینی آشنا بوده و علیرغم کاهش تعداد و سهم جمعیت آنان در مقایسه با جمعیت یکجانشینی شهری و روستایی در طول تاریخ، هنوز کوچ نشینان به عنوان سومین جامعه مهم در کنار جوامع شهری و روستایی به شمار می روند.

هدف پژوهش: با توجه به پراکنش جغرافیایی کوچندگان در سطح ایران و ضرورت تعیین قلمرو این جامعه با شیوه خاص فعالیت و انجام پژوهش ها و مطالعات تخصصی، هدف تحقیق حاضر تعیین قلمرو کوچ نشینان ایران براساس منابع موجود و نتایج سرشماری عشایر کوچنده کشور طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ می باشد.

روش شناسی تحقیق: با توجه به ماهیت مروری بودن تحقیق، با بهره گیری از روش گردآوری داده ها و اطلاعات به شیوه اسنادی- کتابخانه ای و تجربیات علمی نگارنده، از روش تحقیق توصیفی- کاربردی برای تعیین قلمرو کوچ نشینان در مقیاس ناحیه ای و تقسیمات سیاسی- کشوری استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر براساس نتایج سرشماری عشایر کوچنده با بیش از هشت هزار سال سابقه استقرار در مقیاس ایران می باشد که به غیر از استان کردستان در تمامی استان های کشور در قالب کل قلمرو ایلی و یا بخشی از آن توزیع شده اند.

یافته ها و بحث: توزیع و پراکنش جمعیت شهری و روستایی در قلمروهای ایلی و پیوندها و روابط این سه جامعه در قلمروهای ایلی کوچندگان و محدوده های زیست بیلاقی، قشلاقی و بازلاقی و بروز مشکلات و مسایل در قلمروهای ایلی، نیازمند انجام پژوهش های مختلف، مسئله محور و در تخصص های مختلف در قلمرو کوچ نشینان و اثرات و پیامدهای زندگی و پیوند و ارتباط جوامع کوچ نشین، روستائین و شهرنشین می باشد.

نتایج: کوچ نشینان از مجموع کل مساحت ایران در گستره ای به وسعت ۹۶۳ هزار کیلومترمربع، معادل ۵۹ درصد از مساحت کشور پراکنده شده اند و قسمت عمده ای از قلمروهای کوچ نشینان، فضای زیستی مشترک با جوامع روستایی و شهری دارند و توزیع کوچ نشینان در ۲۹ استان، ۲۵۴ شهرستان از مجموع ۳۰ استان و ۳۶۸ شهرستان به ترتیب با ۹۳ و ۶۹ درصد در قالب ۱۰۴ ایل و ۵۶۰ طایفه مستقل با ۱/۷ درصد از جمعیت کشور براساس نتایج سرشماری ۱۳۸۷ عشایر کوچنده کشور مؤید این مطلب است.

کلیدواژه ها: قلمرو ایلی، کوچ نشینان، بیلاقی، قشلاقی، بازلاقی، ایران.

مقدمه

فکر نگهداری و پرورش حیوانات، نیاز به علوفه و شرایط طبیعی مساعد برای نگهداری و پرورش دام نظیر؛ اقلیم مناسب، آب و مراتع کافی بصورت فصلی پدیده کوچ را فراهم نموده است. در زندگی کوچ‌نشینی برخلاف یکجانشینی و بویژه شهرنشینی، بخش عمده‌ای از فعالیت انسان حول محور تلاش جسمانی در رابطه مستقیم با محیط جغرافیایی دور می‌زند. در این فرایند انسان از یک طرف و محل دام و مرتع از طرف دیگر اساس و مبنای زندگی کوچ‌نشینی را تشکیل می‌دهند (مشیری و مولائی هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۱).

بطور طبیعی و تحت شرایط جغرافیایی حاکم در جهان در هر محدوده‌ای که امکان استقرار دائمی جمعیت برای ادامه زندگی خود فراهم نبوده است، ابتدا شیوه زیست کوچ‌نشینی و سپس یکجانشینی اعم از روستانشینی و شهرنشینی شکل گرفته است نگاهی به قلمرو جغرافیایی کوچندگی در جهان مؤید این مطلب است^۱.

ویژگی عمده جغرافیایی ایران از بعد محیطی-اکولوژیک، یعنی قرارگیری در کمربند خشک کره زمین و کوهستانی بودن پهنه جغرافیایی از یک طرف و موقعیت نسبی این سرزمین در ارتباط با همجواری با اقوام دیگر در شمال، جنوب، غرب و شرق از طرف دیگر از جمله عوامل موثر در فعالیت‌های انسانی و شکل‌گیری معیشت‌های کوچ‌نشینی در طول تاریخ ایران بوده است (مشیری و مولائی هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۳).

نخستین اشارات تاریخی به هزاره اول قبل از میلاد مربوط می‌شود. در این دوره سرزمین وسیعی که بعدها ایران نامیده شد مورد هجوم اقوامی که از شمال به حرکت درآمدند قرار گرفت و اینکه این قبایل در آغاز ورود به این سرزمین دامدار (رمة دار) بودند به پرورش اسب می‌پرداختند قولی است که بیشتر نویسندگان بر آن اتفاق نظر دارند (طیبی، ۱۳۷۲: ۱۱۴).

به طور کلی سابقه کوچ‌نشینی در ایران به بیش از هشت هزار سال پیش می‌رسد و آثار بدست آمده در جنوب غربی ایران مؤید این امر است ولی نباید فراموش کرد که قدمت کوچ‌نشینی در مناطق مختلف جهان متفاوت است (مشیری و مولائی هاشجین، ۱۳۸۶: ۱۸).

با توجه به ماهیت زندگی با حرکت منظم، فصلی و سالیانه کوچ‌نشینان برای بهره‌گیری از مرتع و آب در فصول سرد و گرم سال در قالب قشلاق و ییلاق، کوچ‌نشینان با ساختار اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی خاص خود در قالب ایل و طایفه مستقل، محدوده نسبتاً وسیعی را برای تأمین نیازهای ایل و طایفه خود با عنوان قلمرو ایلی به خود اختصاص داده‌اند. البته این قلمرو ایلی مشتمل بر قشلاق، ییلاق و یازلاق به ترتیب در فصول زمستان، تابستان و بهار و پاییز است.

از نظر وسعت و طول مدت استقرار کوچندگان در هر یک از محدوده‌های زیست و فاصله هر یک در محدوده‌های زیست در قالب؛ ایلراه متفاوت است بطوریکه در برخی از ایل‌ها و طوایف مستقل مانند استان گیلان به جهت نزدیک بودن فاصله بین جلگه و کوهستان ایلراه حدود ۷۰ کیلومتر در حد یک بخش محدوده‌های زیست کوچندگان مانند بخش اسالم شهرستان تالش واقع شده است (مولائی هاشجین، ۱۳۸۱: ۱۳-۱) و این در حالی است که در برخی ایل‌ها مانند ایل‌های قشقایی و بختیاری، قلمرو ایلی در محدوده چند استان قرار دارد (مولائی هاشجین، ۱۳۸۱: ۱-۱۳ و مولائی هاشجین، ۱۳۷۷: ۶۸-۵۵). براساس آخرین سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷، عشایر کوچنده کشور در قالب ۱۰۴ ایل و ۵۶۰ طایفه مستقل در سطح کشور توزیع گردیده‌اند. در این بین ایل‌های بختیاری، قشقایی و شاهسون به ترتیب در ناحیه غرب و جنوب غرب، جنوب و شمال غرب، بزرگترین ایل‌های ایران به شمار می‌روند. همچنین کوچندگان در قلمرویی به وسعت ۹۶۳ هزار کیلومترمربع معادل ۵۹ درصد از مساحت کشور پراکنده شده‌اند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۷۸: ۶-۱).

در نهایت براساس نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب ۹۱/۷، ۹۶/۴ و ۹۳ درصد استان‌ها و ۷۰، ۶۹/۹ و ۶۹ درصد شهرستان‌ها و به طور متوسط حدود ۵۰، ۶۰ و ۷۰ درصد دهستان‌ها، بخش‌ها و شهرستان‌های کشور در قالب قلمرو ایلی و محدوده‌های زیست ییلاقی، قشلاقی و یازلاقی را دربرمی‌گیرند و قلمرو کوچندگان ایران حدود ۶۰ درصد مساحت این سرزمین را علیرغم سهم جمعیتی حدود ۱/۷ درصد را به خود اختصاص داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷).

^۱ برای اطلاع از پراکنش جغرافیایی کوچندگان در جهان مراجعه شود به: مستوفی الممالکی رضا، ۱۳۷۷، جغرافیای کوچ‌نشینی (عمومی و ایران) با تأکید بر ایل قشقایی، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

^۲ با احتساب مجموع مساحت دهستان‌هایی که تمام و یا قسمتی از گستره دهستانی قلمرو ییلاق و قشلاقی عشایر براساس نتایج سرشماری‌های اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده، سال ۱۳۷۷ بوده است.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به ماهیت مروری بودن آن، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش شناسی توصیفی و از نظر ماهیت داده‌ها آمیخته (کمی و کیفی) است. برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش اسنادی-کتابخانه‌ای و تجربیات نگارنده استفاده شده است. برای تعیین قلمرو کوچ‌نشینان به عنوان هدف اصلی تحقیق در مقیاس ملی، ناحیه‌ای و برحسب تقسیمات کشوری از نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده در سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ استفاده شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر براساس نتایج سرشماری‌های عشایر کوچنده کشور با بیش از هشت هزار سال سابقه استقرار در مقیاس ایران است که به غیر از استان کردستان در تمامی استان‌های کشور و در قالب کل قلمرو ایلی و یا بخشی از آنها توزیع شده‌اند. بطوریکه براساس آخرین نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده در سال ۱۳۸۷، عشایر مشتمل بر ۱۰۴ ایل و ۵۶۰ طایفه مستقل در ۲۹ استان (۹۳ درصد)، ۲۵۴ شهرستان (۶۹ درصد) به عنوان جامعه آماری در سطح کشور توزیع شده‌اند. کوچ‌نشینان ایران با ۲۱۲/۶۶۰ خانوار و ۱/۱۸۶/۸۳۰ نفر حدود ۱/۷ درصد از جمعیت کشور را به عنوان جامعه سوم در کنار جوامع روستایی و شهری حدود ۵۹ درصد از مساحت ایران را به خود اختصاص داده‌اند. بر این اساس ایران بنا به موقعیت خاص جغرافیایی خود یکی از مهمترین مناطق کوچ‌نشین در جهان به شمار می‌رود و مظاهر فرهنگی آنها در تمام شئون این کشور از گذشته تا به حال نفوذ کرده است به طوری که حکومت‌های متعددی تا زمان پهلوی از به قدرت رسیدن کوچ‌نشینان به وجود آمده‌اند (مشیری و مولائی هسجین، ۱۳۸۶: ۱۸).

یافته‌ها و بحث

مشخصات محوری کوچ‌نشینان ایران

موقعیت جغرافیایی ایران که در کمربند خشک و بیابانی نیمکره شمالی قرار دارد، موجب ایجاد اوضاع فصلی متفاوت و متضاد یعنی جلگه، دشت و کوه شده است و موقعیت نسبی این سرزمین، یعنی مجاورت با آسیای مرکزی، عربستان، اروپا و هند نیز در پیدایش زندگی و شیوه معیشت کوچ‌نشینان در ایران موثر بوده است.

یکی از مشخصات بارز کوچ‌نشینان ایران، نفوذ مظاهر فرهنگی آنان در تمامی شئون این کشور است بطوریکه فرهنگ ایران مجموعه‌ای از عملکرد فرهنگ‌های عشایری منطقه است. حکومت‌هایی چون: سلجوقیان، مغولان، تیموریان، صفویه، افشاریه و قاجاریه از به قدرت رسیدن کوچ‌نشینان به وجود آمده است (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۳).

برخی از کوچ‌نشینان ایران مانند: ایل بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد هم اکنون نیز تا حد زیادی فرهنگ خود را حفظ کرده و به زبان سلیس فارسی گفتگو می‌کنند و در مجموع می‌توان بیان کرد که فرهنگ غالب کوچ‌نشینان بر یکجانشینان و بویژه شهرنشینان در طول تاریخ صدمه کمتری نسبت به سایر فرهنگ‌ها متحمل شده است (امان الهی، ۱۳۶۷).

براین اساس مشخصات محوری کوچ‌نشینان ایران را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- تبعیت از محیط طبیعی در مقیاس وسیع و به صورت غالب، به طوری که مهمترین عامل تاثیرگذار در زندگی کوچ‌نشینان و جایابی منظم آنان در قلمروهای ایلی و طایفه‌ای خود در قالب بیلاق، قشلاق و یازلاق، تنوع شرایط محیط طبیعی اعم از توپوگرافی، اقلیم، آب، خاک و پوشش گیاهی و جانوری بوده است و کوچ‌نشینان برحسب تقسیمات اجتماعی خود در قالب ایل و طایفه مستقل و تحت تاثیر شرایط حاکم محیط طبیعی محدوده‌های زیست زمستانی، تابستانی، بهاری و پاییزی در قالب قلمرو ایلی پراکنده شده‌اند و در طول سال و بصورت منظم و فصلی در قلمرو ایلی خود جابجا شده و به حیات و زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود ادامه می‌دهند.

۲- فعالیت اصلی و غالب دامداری که بصورت جایابی منظم سالیانه و مداوم از آن بهره برداری می‌شود البته اگر منابع دیگری برای معاش کوچ‌نشینان وجود داشته باشد مانند: فعالیت‌های زراعی، باغداری، صنایع دستی و ... حالت فرعی و جنبی دارد تا جایی که دام به عنوان مایملک لاینفک کوچ‌نشینان از ارکان اصلی زندگی آنان به شمار می‌رود.

۳- وابستگی شیوه زندگی کوچ‌نشینان و اتکای فعالیت‌های اقتصادی آنان به دام و مرتع به عنوان دو رکن عمده اقتصاد کوچ‌نشینان موجب می‌شود که دام را در مراتع طبیعی تلفیف کنند و با تغییر فصل از محدوده‌ای به محدوده دیگری و در داخل قلمرو ایلی خود و تحت تاثیر شرایط محیط طبیعی حرکت نمایند. بطوریکه فصل سرد سال را در محدوده زیست زمستانی یا قشلاق، فصل گرم سال را در محدوده زیست تابستانی یا بیلاق و حد فاصل قشلاق و بیلاق را در محدوده زیست بهاری و پاییزی یا یازلاق به ترتیب در حرکت و جابجایی از قشلاق به بیلاق و بالعکس به سر می‌برند. قلمرو ایلی کوچ‌نشینان تابعی از عوامل مختلف؛ محیط طبیعی (جلگه و دشت تا کوهستان)، تعداد دام‌ها، تعداد خانوار و جمعیت کوچ‌نشینان و ... است و براین اساس فاصله بین قشلاق و بیلاق ممکن است از چند کیلومتر تا بیش از پانصد کیلومتر باشد و طول مدت حرکت در هر یک از محدوده‌های زیست و مدت استقرار در آن‌ها متفاوت خواهد بود و حتی زمان شروع حرکت و جابجایی در قلمرو ایلی نیز در بین کوچ‌نشینان در مقیاس ایران با توجه به تنوع محیط جغرافیایی طبیعی متفاوت می‌شود.

۴- وجود ساختار اجتماعی مبتنی بر سلسله مراتب ایلی و طایفه‌ای که براساس این ساختار اجتماعی - قبیله‌ای هر فرد جامعه کوچنده خود و خانواده اش را متعلق و وابسته به یک گروه اجتماعی بزرگتر و معمولاً خویشاوند می‌داند که این گروه‌های بزرگتر به نام‌های تیره، طایفه و نهایتاً ایل شناخته می‌شود (مولائی هسجین، ۱۳۸۴: ۲۰۵-۱۹۱).

۵- فعالیت زراعی در دو منطقه بیلاقی و قشلاقی برخلاف روستائیان به جهت در دسترس بودن امکانات محیط طبیعی و جابجایی در محدوده‌های زیست تابستانی و زمستانی، البته در بین تمامی ایل‌ها و طوایف مستقل فعالیت زراعی در هر دو منطقه بیلاقی و قشلاقی رایج نیست ولی در سطح قلمروهای ایلی و طایفه‌ای در صورت فراهم بودن شرایط محیط طبیعی اعم از شرایط اقلیمی و بویژه منابع آب و خاک فعالیت زراعی امکان پذیر است.

۶- مزاد تولید عمده دامداری کوچ‌نشینان که به عنوان فعالیت غالب آنان به شمار می‌رود، اعم از فروش دام زنده و فراورده‌ها و محصولات دامی عموماً موقع مراجعت از بیلاق به قشلاق به فروش می‌رسد.

۷- تکنیک کشاورزی ابتدایی، نبود نظام خاص آبیاری، زراعت دیمی با بازده کم در هکتار، صنایع دستی با مهارت کمتر و خودمصرفی بودن اغلب تولیدات به استثنای بخشی از دامداری که به عنوان فعالیت غالب آنان به شمار می‌رود در بین کوچ‌نشینان به وضوح دیده می‌شود.

۸- قشر تولیدکننده کم توقع کوچ‌نشین در مقایسه با جوامع روستایی و شهری که بیشتر به متحرک بودن آنها در قلمرو ایلی در طول سال مربوط می‌شود موجب گردیده است که برخورداری کوچ‌نشینان از امکانات و خدمات زیربنایی و روبنایی و حتی دسترسی ویژه آنان در محدوده‌های زیست تابستانی، بهاری و پاییزی حتی در مقایسه با جامعه روستایی با شکاف بیشتری مواجه باشد.

۹- مسکن ساده و سبک و قابل حمل در منطقه قشلاقی و بویژه منطقه بیلاقی و وسایل زندگی بسیار ساده و مقاوم، به گونه‌ای که قابلیت حمل و نقل آنها در طول سال و بویژه از قشلاق به بیلاق و حتی جابجایی در داخل محدوده‌های زیست مذکور بصورت افقی داشته باشند (صفی نژاد، ۱۳۶۸: ۳۲-۳۶ و مشیری و مولائی هسجین، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۰).

قلمرو عمده کوچ‌نشینان ایران

قلمروهای جغرافیایی عمده کوچ‌نشینان در ایران اغلب در سراسر کشور می‌باشند که می‌توان طبق تقسیم‌بندی زیر آنها را از هم بازشناخت:

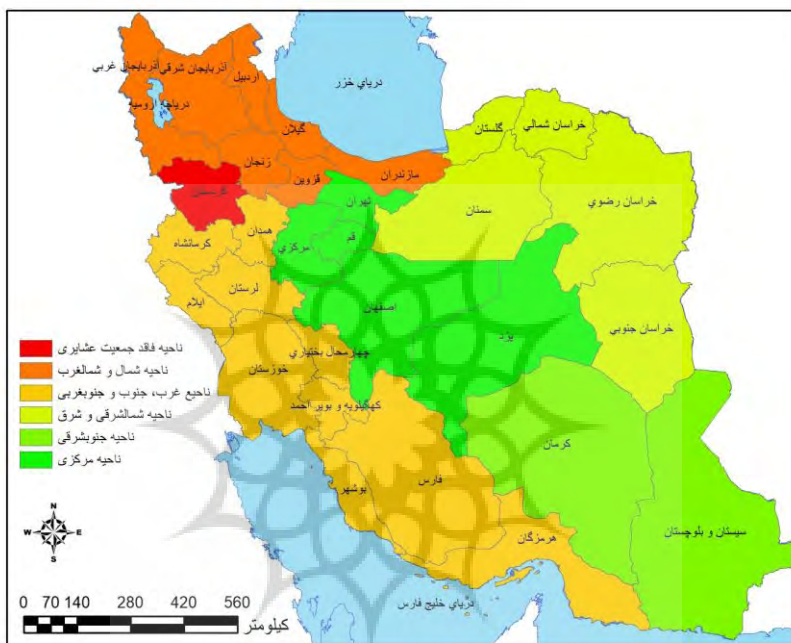
۱- **ناحیه شمال و شمال‌غرب:** این ناحیه شامل مجموعه‌ای از ارتفاعات، تپه ماهورها، فلات‌ها و اراضی پست و حاصلخیز در استان‌های مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، قزوین و بخشی از همدان است. تعدادی از کوچ‌نشینان ترک (آذری) و کرد نظیر؛ ایل سون - شاهسون، قره‌دارغ - ارسباران، جلالی و ... در این ناحیه قرار دارند.

۲- **ناحیه غرب، جنوب و جنوب‌غربی:** این ناحیه که قسمت عمده‌ای از ارتفاعات زاگرس را شامل می‌شود از مهمترین قلمروهای کوچ‌نشینان در کشور به شمار می‌رود. جهت این ارتفاعات شمال‌غربی - جنوب‌شرقی بوده و تا دریای عمان امتداد پیدا می‌کند و استان‌های همدان، کرمانشاه، ایلام، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، اصفهان، خوزستان، بوشهر، فارس و هرمزگان را از غرب تا جنوب در برمی‌گیرد. ایل‌های بزرگی مانند؛ بختیاری، بویراحمد، ایلات خمسه، قشقای و ... در این ناحیه به سر می‌برند و با توجه به شرایط محیط طبیعی حاکم، این ناحیه بزرگترین ایل‌های کشور را به خود اختصاص داده است.

۳- **ناحیه شمال شرقی:** این ناحیه از شرق استان گلستان در جنوب شرقی دریای خزر با مرز کشور افغانستان در شرق کشور امتداد داشته و از جنوب به حاشیه کویر مرکزی ایران محدود می شود. استان های گلستان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و سمنان در این ناحیه قرار گرفته اند کوچ نشینان ترکمن، سنگسر و کرد از ایلات عمده این ناحیه به شمار می روند.

۴- **ناحیه شرق و جنوب شرقی:** این ناحیه عمدتاً قلمرو ایل ها و طوایف مستقل بلوچ است که در استان های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان استقرار دارند.

۵- **ناحیه مرکزی:** این ناحیه از دامنه های البرز جنوبی شروع شده و تا حاشیه کویر مرکزی ایران ادامه پیدا می کند. استان های تهران، البرز، قم، سمنان، مرکزی، اصفهان و یزد در قلمرو کوچ نشینان ناحیه مرکزی که اغلب در قالب طایفه ها و مستقل هستند قرار دارند (مشیری و مولائی هسجین، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۲ و مستوفی الممالکی، ۱۳۷۷: ۲۱۶-۱۹۸).



شکل ۱. نقشه قلمرو عمده کوچ نشینان ایران در قالب پنج ناحیه (قلمرو) (مولائی هسجین، ۱۴۰۰)

قلمرو و توزیع جغرافیایی کوچ نشینان ایران برحسب ایل ها و طوایف مستقل

براساس نتایج سرشماری اجتماعی- اقتصادی عشایر کوچنده کشور طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ که برای اولین بار در تاریخ برنامه ریزی کشور صورت گرفته است کوچ نشینان ایران براساس ویژگی های بارز آن ها که آنان را از جوامع یکجانشین شهری و روستایی متمایز می سازد. کوچندگان از نظر ساختار اجتماعی، سیاسی و ایلی به دو قالب تقسیم بندی می شوند یکی در قالب ایل که خود از چند طایفه، تیره و تقسیمات زیر تیره تا حد خانوار تشکیل شده اند و دیگری در نواحی مختلف عشایری کشور که شرایط شکل گیری ایل های مستقل فراهم نبوده و در دو طایفه مستقل قابل تقسیم هستند. براین اساس تعداد ایل های ایران طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب ۹۶، ۱۰۲ و ۱۰۴ ایل بوده که به ترتیب ۱۴/۹۳، ۱۷/۲۳ و ۱۸/۵۷ درصد از ساختار ایلی و طایفه مستقل را به خود اختصاص داده اند و در مقابل طی سال های مذکور به ترتیب ۵۴۷ و ۵۹۲ و ۵۶۰ طایفه مستقل با ۸۵/۰۷، ۸۲/۸۷ و ۸۱/۴۳ درصد عشایر به طوایف مستقل مربوط بوده است (جداول شماره ۱).

توزیع قلمروهای کوچ نشینان ایران برحسب ایل و طایفه مستقل در استان های کشور نشان می دهد که از توزیع متعادلی برخوردار نیستند و در هر استان که شرایط شکل گیری و تداوم کوچندگی در قالب ایل فراهم بوده، ایل با ساختار اجتماعی- فرهنگی خود در قالب محدوده زیست

بیلاقی و قشلاقی و نیز بازلاقی و یا بین بیش از یک استان فعالیت دارند و در سایر موارد بصورت طایفه مستقل در کنار ایل و یا حتی بدون وجود ایل به فعالیت های خود ادامه می دهند.

جدول ۱. توزیع تعداد و درصد ایل ها و طوایف مستقل ایران در طی سالهای ۸۷-۱۳۶۶

سال	ایل ها		طوایف مستقل		ایل ها و طوایف مستقل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۶۶	۹۶	۱۴,۹۳	۵۴۷	۸۵,۰۷	۶۴۳	۱۰۰
۱۳۷۷	۱۰۲	۱۷,۲۳	۵۹۲	۸۲,۸۷	۶۹۴	۱۰۰
۱۳۸۷	۱۰۴	۱۸,۵۷	۵۶۰	۸۱,۴۳	۶۶۴	۱۰۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور.

از مجموع تعداد ۳۰ استان ایران، براساس آمار سال ۱۳۸۷، ایل ها و طوایف مستقل به غیر از استان کردستان در بقیه ۲۹ استان پراکنده شده اند. در این بین در استان گیلان با توجه به شرایط جغرافیایی خاص آن و فاصله بسیار کم قلمرو ایلی در قالب قشلاق و بیلاقی تنها ۶ طایفه مستقل در بخش هایی از این استان پراکنده شده اند و در ۴ استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری، زنجان و کهگیلویه و بویراحمد نیز تنها قلمرو استقرار ایل ها بوده و طوایف مستقل در این استان ها وجود ندارد.

مقایسه توزیع ایل ها و طوایف مستقل در استان های کشور نشان می دهد که تعداد ۸ استان یزد، قم، قزوین، سیستان و بلوچستان، سمنان، خراسان رضوی، خراسان جنوبی و بوشهر تنها با یک ایل و تعداد ۴ استان کرمان، ایلام، کرمانشاه و لرستان به ترتیب با ۳۰، ۲۷، ۱۷ و ۱۶ ایل کمترین و بیشترین تعداد ایل ها را به خود اختصاص داده اند و در مقابل استان های قم، مرکزی، کرمانشاه، همدان و اردبیل بین ۱ تا ۳ استان های سیستان و بلوچستان، سمنان و خراسان شمالی بین ۲۲۱ تا ۶۵ به ترتیب کمترین و بیشترین تعداد طوایف مستقل را به خود اختصاص داده‌اند.

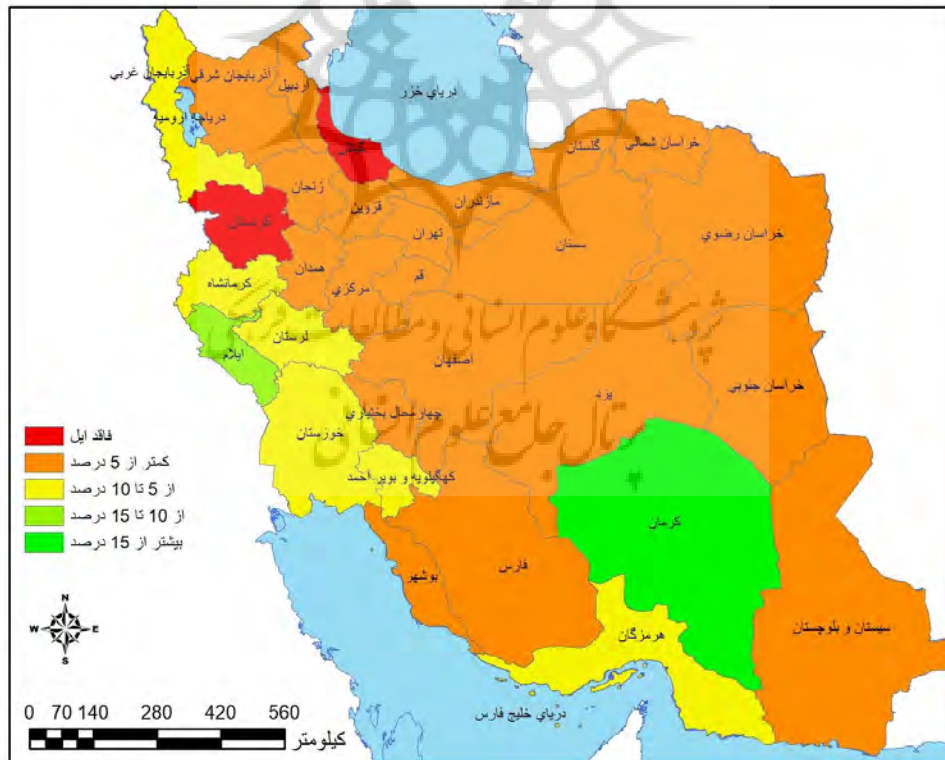
شرایط جغرافیایی حاکم در هر یک از نواحی و استان های کشور، محدودیت منابع آب و مرتع و وسعت قلمرو ایلی و ساختار اجتماعی، فرهنگی و قومی در برخورداری استان ها از ایل ها و طایفه مستقل موثر بوده است (جدول شماره ۲).

جدول ۲. توزیع تعداد و درصد ایل ها و طوایف مستقل بر حسب استان و اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۷ عشایر کوچنده ایران

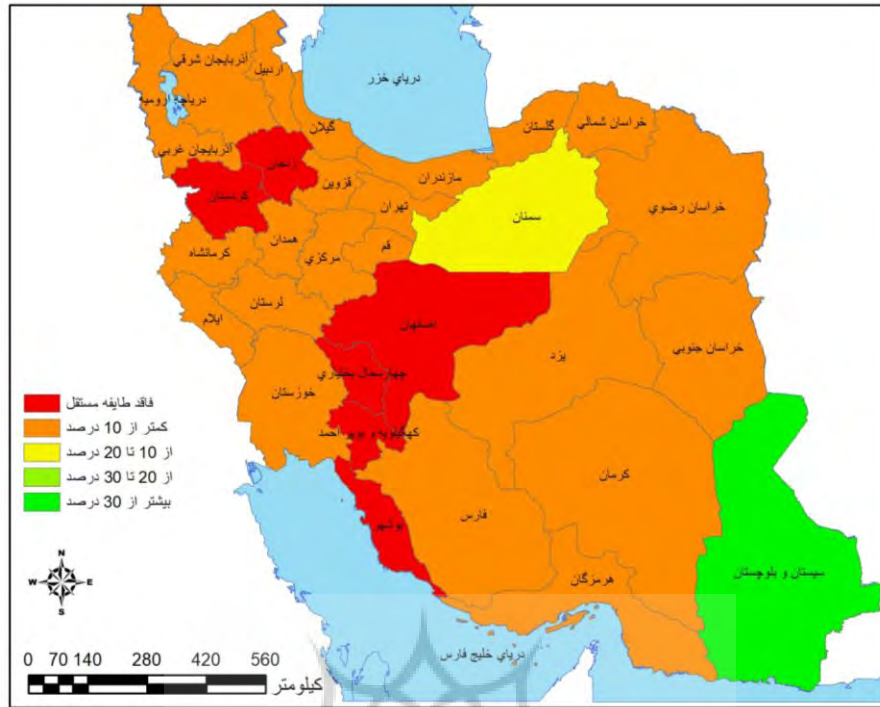
ردیف	استان	ایل ها		طوایف مستقل	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آذربایجان شرقی	۳	۱,۶۵	۱۰	۱,۵۵
۲	آذربایجان غربی	۱۲	۶,۵۹	۲۱	۳,۲۵
۳	اردبیل	۳	۱,۶۵	۳	۰,۴۶
۴	اصفهان	۳	۱,۶۵	-	۰
۵	ایلام	۲۱	۱۱,۵۴	۳۶	۵,۵۶
۶	بوشهر	۱	۰,۵۵	-	۰
۷	تهران	۴	۲,۲۰	۲۳	۳,۵۵
۸	چهارمحال و بختیاری	۴	۲,۲۰	-	۰
۹	خراسان جنوبی	۱	۰,۵۵	۶۵	۱۰,۰۵
۱۰	خراسان رضوی	۱	۰,۵۵	۳۳	۵,۱۰
۱۱	خراسان شمالی	۲	۱,۱۰	۲۴	۳,۷۱
۱۲	خوزستان	۱۵	۸,۲۴	۹	۱,۳۹
۱۳	زنجان	۲	۱,۱۰	-	۰
۱۴	سمنان	۱	۰,۵۵	۷۴	۱۱,۴۴

ردیف	استان	ایل ها		طوایف مستقل	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۵	سیستان و بلوچستان	۱		۲۲۱	۳۴,۱۶
۱۶	فارس	۵	۲,۷۵	۱۱	۱,۷۰
۱۷	قزوین	۱	۰,۵۵	۴	۰,۶۲
۱۸	قم	۱	۰,۵۵	۱	۰,۱۵
۱۹	کردستان	-	۰	-	۰
۲۰	کرمان	۳۰	۱۶,۴۸	۴۴	۶,۸۰
۲۱	کرمانشاه	۱۷	۹,۳۴	۲	۰,۳۱
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱	۶,۰۴	-	۰
۲۳	گلستان	۳	۱,۶۵	۲۱	۳,۲۵
۲۴	گیلان	-	۰	۶	۰,۹۳
۲۵	لرستان	۱۶	۸,۷۹	۱۵	۲,۳۲
۲۶	مازندران	۲	۱,۱۰	۹	۱,۳۹
۲۷	مرکزی	۴	۲,۲۰	۲	۰,۳۱
۲۸	هرمزگان	۱۱	۶,۰۴	۶	۰,۹۳
۲۹	همدان	۶	۳,۳۰	۳	۰,۴۶
۳۰	یزد	۱	۰,۵۵	۴	۰,۶۲
جمع	کل استان ها	۱۸۲	۱۰۰	۶۴۷	۱۰۰

منبع: درگاه مرکز آمار ایران، نتایج استانی سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ کل کشور (استخراج: مولائی هسجین، ۱۴۰۰)



شکل ۲. نقشه توزیع جغرافیایی درصد ایل های کوچ نشینان بر حسب استان های مختلف ایران (مولائی هسجین، ۱۴۰۰)



شکل ۳. نقشه توزیع جغرافیایی درصد طوایف مستقل کوچ‌نشینان بر حسب استان‌های مختلف ایران (مولائی هاشجین، ۱۴۰۰)

قلمرو کوچ‌نشینان ایران بر حسب تقسیمات کشوری

براساس نتایج سرشماری سراسری عشایر کوچنده کشور طی سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ تقریباً در تمامی استان‌های کشور کوچ‌نشینان پراکنده شده‌اند و بین ۹۱/۷ تا ۹۶/۴ درصد استان‌ها را شامل بوده‌است. در شهرستان‌های کشور نیز بین ۶۵ تا ۷۰/۳ درصد شهرستان‌ها، کوچندگان زیست می‌کنند، در مقیاس بخشی نیز بین ۶۱/۹ تا ۶۶/۴ درصد و در سطح دهستان‌ها بین ۵۱/۵ تا ۵۴/۲ درصد متغیر بوده‌است. ملاحظه می‌شود در مقیاس دهستانی بیش از نیمی از دهستان‌های کشور کوچندگان ایران پراکنده شده‌اند که نزدیک به ۶۰ درصد مساحت کشور را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع تعداد و درصد کوچ‌نشینان ایران بر حسب تقسیمات کشوری طی سال‌های ۸۷-۱۳۶۶

سال	استان			شهرستان			بخش			دهستان	
	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری
۱۳۶۶	۲۴	۲۲	۹۱,۷	۱۹۵	۱۳۷	۷۰,۳	۵۰۱	۳۱۵	۶۲,۹	۱۵۷۲	۸۱۸
۱۳۷۷	۲۸	۲۷	۹۶,۴	۲۸۲	۱۹۷	۶۹,۹	۷۴۳	۴۶۰	۶۱,۹	۲۲۶۰	۱۱۶۳
۱۳۸۷	۳۰	۲۹	۹۳,۰	۳۶۸	۲۵۴	۶۹,۰	۸۸۸	۵۹۰	۶۶,۴	۲۳۹۷	۱۲۹۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور

الف- قلمرو کوچ‌نشینان ایران بر حسب استان

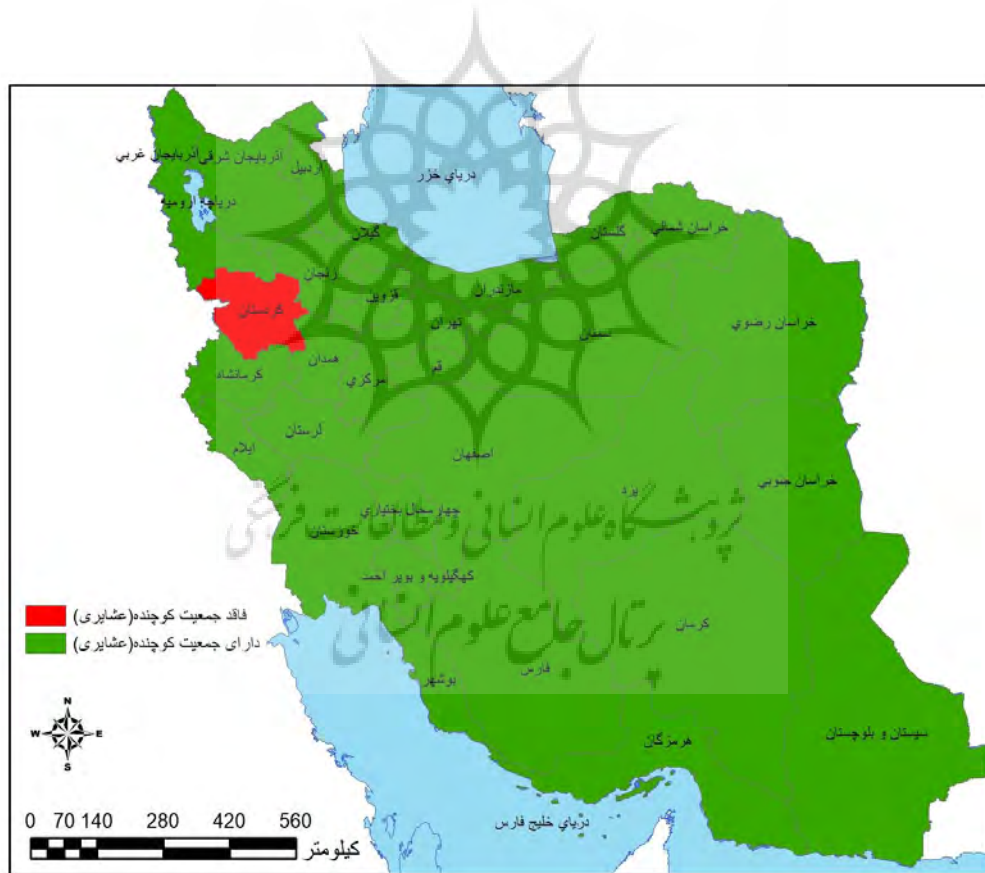
براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۶۶ عشایر کوچنده کشور از مجموع ۲۴ استان کشور استان‌های کردستان و یزد فاقد جمعیت کوچنده بوده‌اند و بقیه استان‌های کشور با ۹۱/۷ درصد برحسب شرایط جغرافیایی حاکم دارای جامعه کوچ‌نشین بوده‌اند.

در سرشماری سال ۱۳۷۷ تعداد استان های کشور از ۲۴ به ۲۸ استان افزایش یافته است، در مقابل تنها استان کردستان فاقد جمعیت کوچنده بوده و بقیه استان ها با ۹۶/۴ درصد جزء قلمرو کوچ نشینان بوده است.

در سرشماری سال ۱۳۸۷ تعداد استان ها به ۳۰ استان افزایش یافته است و تنها استان کردستان فاقد جمعیت کوچنده بوده و ۲۹ استان دیگر با ۹۳ درصد قلمرو کوچ نشینان ایران بوده است (شکل شماره ۴ و جداول شماره ۳، ۴، ۵ و ۶).



شکل ۴. نمودار توزیع کوچ نشینان ایران برحسب تقسیمات استانی طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

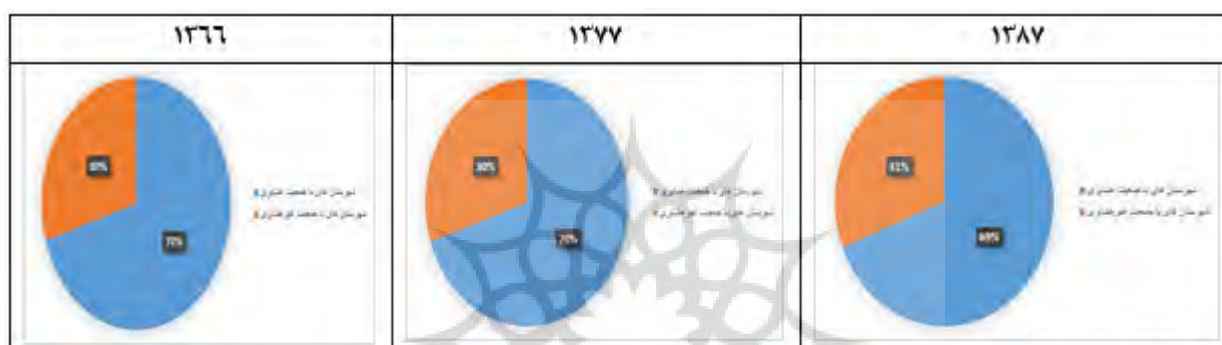


شکل ۵. نقشه قلمرو کوچ نشینان ایران بر حسب استان بر اساس نتایج سرشماری عشایر کوچنده سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

کشور (مولائی هسجین، ۱۴۰۰)

ب- قلمرو کوچ‌نشینان ایران بر حسب شهرستان

براساس آمار کوچندگان ایران حدود ۷۰ درصد شهرستان‌های ایران در طی سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ از جمعیت کوچنده برخوردار بوده‌اند که به ترتیب ۱۳۷، ۱۹۷ و ۲۵۴ شهرستان را در استان‌های مختلف کشور دربر می‌گرفت. در این بین استان‌های ایلام، کرمانشاه (باختران)، تهران، چهارمحال و بختیاری، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و همدان با ۱۰ استان، در سال ۱۳۶۶ کل شهرستان‌های آن‌ها از جمعیت عشایری برخوردار بوده‌اند. در سال ۱۳۷۷، با افزایش تعداد استان‌ها و شهرستان‌ها، استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، تهران، چهارمحال و بختیاری، سمنان، سیستان و بلوچستان، قم، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان با تغییرات اندکی تعداد ۱۰ استان با صد درصد جمعیت عشایری ملاحظه می‌شود. در سال ۱۳۸۷ با تغییرات در تقسیمات کشور در قالب استان و شهرستان، استان‌های اردبیل، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قم، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان و همدان با ۱۳ استان دارای تمامی شهرستان‌های برخوردار از جمعیت عشایری بوده است (شکل شماره ۶ و جداول شماره ۳، ۴، ۵ و ۶).



شکل ۶. نمودار قلمرو کوچ‌نشینان ایران بر حسب تقسیمات شهرستانی طی سال‌های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

جدول ۴. توزیع کوچندگان در استان‌های کشور به تفکیک شهرستان، بخش و دهستان در سال ۱۳۶۶

ردیف	استان	شهرستان			بخش			دهستان		
		تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری
۱	آذربایجان شرقی	۱۱	۱۰	۹۰٫۹	۳۴	۲۸	۸۲٫۴	۸۷	۵۶	۶۴٫۴
۲	آذربایجان غربی	۹	۸	۸۸٫۹	۱۹	۱۶	۸۴٫۲	۶۴	۴۴	۶۸٫۸
۳	اصفهان	۱۵	۵	۳۳٫۳	۲۷	۶	۲۲٫۲	۸۰	۱۲	۱۵٫۰
۴	ایلام	۵	۵	۱۰۰	۱۳	۱۳	۱۰۰٫۰	۴۱	۳۷	۹۰٫۲
۵	باختران	۸	۸	۱۰۰	۱۷	۱۵	۸۸٫۲	۶۰	۵۰	۸۳٫۳
۶	بوشهر	۷	۶	۸۵٫۷	۱۶	۷	۴۳٫۸	۳۲	۱۲	۳۷٫۵
۷	تهران	۷	۷	۱۰۰	۲۴	۱۸	۷۵٫۰	۵۳	۳۳	۶۲٫۳
۸	چهارمحال و بختیاری	۴	۴	۱۰۰	۸	۷	۸۷٫۵	۲۳	۱۷	۷۳٫۹
۹	خراسان	۱۷	۱۵	۸۸٫۲	۵۳	۳۷	۶۹٫۸	۲۱۰	۱۰۰	۴۷٫۶
۱۰	خوزستان	۱۳	۱۲	۹۲٫۳	۳۰	۲۴	۸۰٫۰	۱۱۳	۶۶	۵۸٫۴
۱۱	زنجان	۵	۳	۶۰٫۰	۱۴	۶	۴۲٫۹	۳۸	۱۰	۲۶٫۳

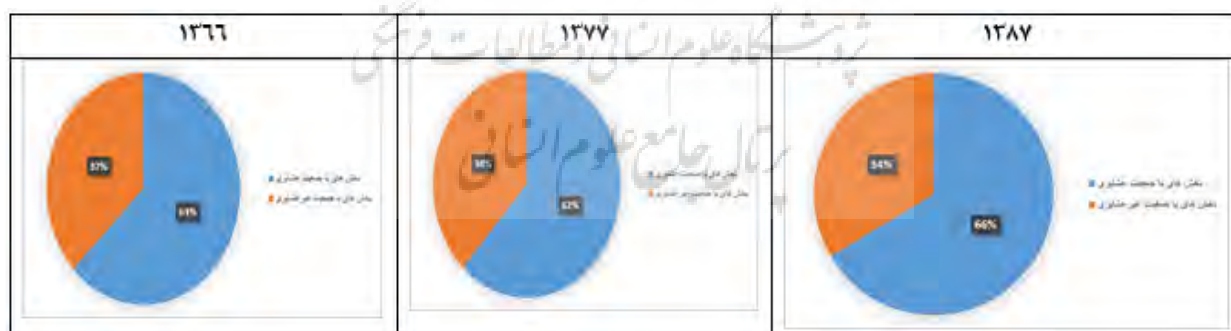
۱۲	سمنان	۴	۴	۱۰۰	۱۰	۹	۹۰,۰	۲۹	۲۵	۸۶,۲
۱۳	سیستان و بلوچستان	۶	۶	۱۰۰	۲۳	۲۲	۹۵,۷	۶۹	۶۷	۹۷,۱
۱۴	فارس	۱۴	۱۴	۱۰۰	۳۸	۳۶	۹۴,۷	۱۱۱	۹۲	۸۲,۹
۱۵	کردستان	۶	۰	۰	۱۶	۰	۰,۰	۴۹	۰	۰
۱۶	کرمان	۸	۱۰	۸۰,۰	۲۳	۱۷	۷۳,۹	۱۲۰	۷۸	۶۵,۰
۱۷	کهگیلویه و بویراحمد	۳	۳	۱۰۰	۸	۸	۱۰۰	۱۶	۱۶	۱۰۰
۱۸	گیلان	۳	۱۱	۲۷,۳	۲۲	۴	۱۸,۲	۵۶	۶	۱۰,۷
۱۹	لرستان	۳	۳	۱۰۰	۱۶	۱۵	۹۳,۸	۵۸	۵۱	۸۷,۹
۲۰	مازندران	۶	۱۵	۴۰,۰	۳۶	۹	۲۵,۰	۱۲۵	۱۱	۸,۸
۲۱	مرکزی	۱	۸	۱۲,۵	۱۳	۴	۳۰,۸	۳۴	۶	۱۷,۶
۲۲	هرمزگان	۲	۵	۴۰,۰	۱۸	۴	۲۲,۲	۵۱	۱۰	۱۹,۶
۲۳	همدان	۴	۴	۱۰۰	۱۲	۱۰	۸۳,۳	۳۳	۱۹	۵۷,۶
۲۴	یزد	۰	۵	۰	۱۱	۰	۰	۲۰	۰	۰
جمع	کل کشور	۱۳۷	۱۹۵	۷۰,۳	۵۰۱	۳۱۵	۶۲,۹	۱۵۷۲	۸۱۸	۵۲,۰

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور

ج- قلمرو کوچ نشینان ایران بر حسب بخش

از مجموع بخش های کشور طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب: ۳۱۵، ۴۶۰ و ۵۹۰ بخش از جمعیت عشایری با ۶۲/۹، ۶۲/۹ و ۶۱/۹ و ۶۶/۴ درصد برخوردار بوده اند که این امر نشان دهنده وسعت جغرافیایی کوچندگان در سطح کشور و تقسیمات درون سرزمینی آن در قالب استان، شهرستان و بخش بوده است.

در سال ۱۳۶۶ استان های ایلام و کهگیلویه و بویراحمد در مقیاس کل بخش های آن در کنار کل شهرستان ها عشایری بوده اند. در سال ۱۳۷۷ استان های ایلام، سمنان و کهگیلویه و بویراحمد، در تمامی بخش های آن ها جمعیت عشایری استقرار داشته اند. در سال ۱۳۸۷ نیز استان های: ایلام، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان با ۶ استان در قلمرو کوچ نشینان بوده اند (شکل شماره ۷ و جداول شماره ۳، ۴، ۵ و ۶).



شکل ۷. نمودار قلمرو کوچ نشینان ایران بر حسب تقسیمات بخشی طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

جدول ۵. توزیع کوچندگان در استان‌های کشور به تفکیک شهرستان، بخش و دهستان در سال ۱۳۷۷

ردیف	استان	شهرستان			بخش			دهستان		
		تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری
۱	آذربایجان شرقی	۱۶	۱۵	۹۳/۸	۳۸	۳۱	۸۱/۶	۱۳۵	۸۰	۵۹/۳
۲	آذربایجان غربی	۱۴	۱۴	۱۰۰	۳۵	۲۹	۸۲/۹	۱۰۹	۷۸	۷۱/۶
۳	اردبیل	۹	۸	۸۸/۹	۲۲	۱۸	۸۱/۸	۶۳	۴۷	۷۴/۶
۴	اصفهان	۱۹	۶	۳۱/۶	۳۹	۹	۲۳/۱	۱۱۷	۱۹	۱۶/۲
۵	ایلام	۷	۷	۱۰۰	۱۷	۱۷	۱۰۰	۳۶	۳۶	۱۰۰
۶	بوشهر	۸	۶	۷۵	۱۷	۹	۵۲/۹	۳۶	۱۴	۳۸/۹
۷	تهران	۱۲	۱۲	۱۰۰	۲۷	۲۳	۸۵/۲	۷۱	۳۷	۵۲/۱
۸	چهارمحال و بختیاری	۵	۵	۱۰۰	۱۵	۱۱	۷۳/۳	۳۵	۲۶	۷۴/۳
۹	خراسان	۲۴	۲۱	۸۷/۵	۷۸	۵۸	۷۴/۴	۲۲۷	۱۳۳	۵۸/۶
۱۰	خوزستان	۱۶	۱۴	۸۷/۵	۳۶	۲۷	۷۵/۰	۱۱۲	۷۶	۶۷/۹
۱۱	زنجان	۷	۳	۴۲/۹	۱۵	۵	۳۳/۳	۴۶	۹	۱۹/۶
۱۲	سمنان	۴	۴	۱۰۰	۱۲	۱۲	۱۰۰	۲۸	۲۲	۷۸/۶
۱۳	سیستان و بلوچستان	۷	۷	۱۰۰	۲۹	۲۸	۹۶/۶	۹۲	۸۷	۹۴/۶
۱۴	فارس	۱۸	۱۷	۹۴/۴	۶۱	۵۶	۹۱/۸	۱۸۴	۱۴۴	۷۸/۳
۱۵	قزوین	۳	۲	۶۶/۷	۱۳	۴	۳۰/۸	۴۳	۸	۱۸/۶
۱۶	قم	۱	۱	۱۰۰	۴	۱	۲۵	۹	۲	۲۲/۲
۱۷	کردستان	۸	۰	۰	۲۳	۰	۰	۷۹	۰	۰
۱۸	کرمان	۱۱	۱۰	۹۰/۹	۳۳	۲۴	۷۲/۷	۱۴۱	۱۰۰	۷۰/۹
۱۹	کرمانشاه	۱۱	۱۱	۱۰۰	۲۵	۲۳	۹۲/۰	۸۳	۶۱	۷۳/۵
۲۰	کهگیلویه و بویراحمد	۳	۳	۱۰۰	۱۲	۱۲	۱۰۰	۳۸	۳۶	۹۴/۷
۲۱	گلستان	۷	۲	۲۸/۶	۱۶	۵	۳۱/۳	۴۵	۹	۲۰
۲۲	گیلان	۱۶	۲	۱۲/۵	۴۰	۴	۱۰/۰	۱۰۶	۷	۶/۶
۲۳	لرستان	۹	۹	۱۰۰	۲۵	۲۴	۹۶	۸۱	۷۲	۸۸/۹
۲۴	مازندران	۱۵	۳	۲۰	۳۸	۴	۱۰/۵	۱۰۴	۷	۶/۷
۲۵	مرکزی	۸	۳	۳۷/۵	۱۷	۶	۳۵/۳	۶۱	۱۳	۲۱/۳
۲۶	هرمزگان	۸	۴	۵۰	۲۱	۷	۳۳/۳	۶۹	۱۵	۲۱/۷
۲۷	همدان	۸	۷	۸۷/۵	۲۰	۱۱	۵۵	۷۰	۲۴	۳۴/۳
۲۸	یزد	۸	۱	۱۲/۵	۱۵	۲	۱۳/۳	۴۰	۱	۲/۵
جمع	کل کشور	۲۸۲	۱۹۷	۶۹/۹	۷۴۲	۴۶۰	۶۲/۰	۲۲۶۰	۱۱۶۳	۵۱/۵

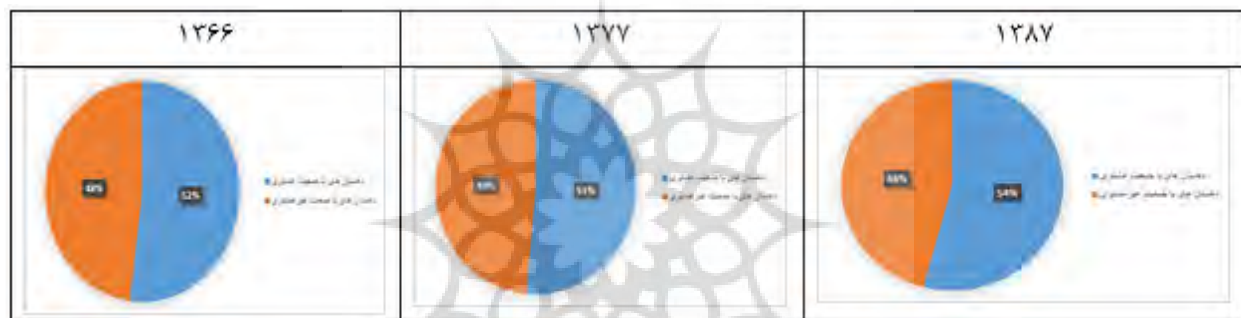
منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور

د- قلمرو کوچ نشینان ایران بر حسب دهستان

در مجموع دهستان های کشور در طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ بیش از پنجاه درصد آنها دارای جمعیت کوچنده بوده اند که به ترتیب ۸۱۸، ۱۱۶۳ و ۱۲۹۹ دهستان را دربر گرفته است و این مطلب نشان می دهد که مقیاس دهستانی حدود ۶۰ درصد مساحت ایران را به خود اختصاص داده است و اینکه کوچ نشینان با سابقه بیش از ۸۰۰۰ سال در ایران، از پایگاه و جایگاه خاص و ویژه ای برخوردار بوده است، تایید می گردد.

در سال ۱۳۶۶ از مجموع دهستان های کشور، استان های ایلام، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد با ۹۱ تا ۱۰۰ درصد دهستان های آن ها از جمعیت کوچنده برخوردار بوده اند.

در سال ۱۳۷۷ استان های ایلام و سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد و در سال ۱۳۸۷ استان های ایلام، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد دهستان ها از جمعیت عشایری برخوردار بوده اند. به عبارتی دیگر کل محدوده های جغرافیایی ۴ استان سیستان و بلوچستان با یک ایل و ۲۲۱ طایفه مستقل، کهگیلویه و بویراحمد با ۱۱ ایل، ایلام با ۲۱ ایل و ۳۶ طایفه مستقل و لرستان با ۶ ایل و ۱۵ طایفه مستقل در قلمرو کوچ نشینان ایران قرار دارد. در بقیه استان ها، شهرستان ها، بخش ها و دهستان های برخوردار از جمعیت عشایری نیز سکونت گزینی جمعیت شهری، روستایی و عشایری ملاحظه می گردد که زمینه مطالعات برنامه ریزی آن ها مهیا می باشد (شکل شماره ۸ و جداول شماره ۳، ۴، ۵ و ۶).



شکل ۸. نمودار قلمرو کوچ نشینان ایران بر حسب تقسیمات دهستانی طی سال های ۱۳۶۶، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷

جدول ۶. توزیع کوچندگان در استان های کشور به تفکیک شهرستان، بخش و دهستان در سال ۱۳۸۷

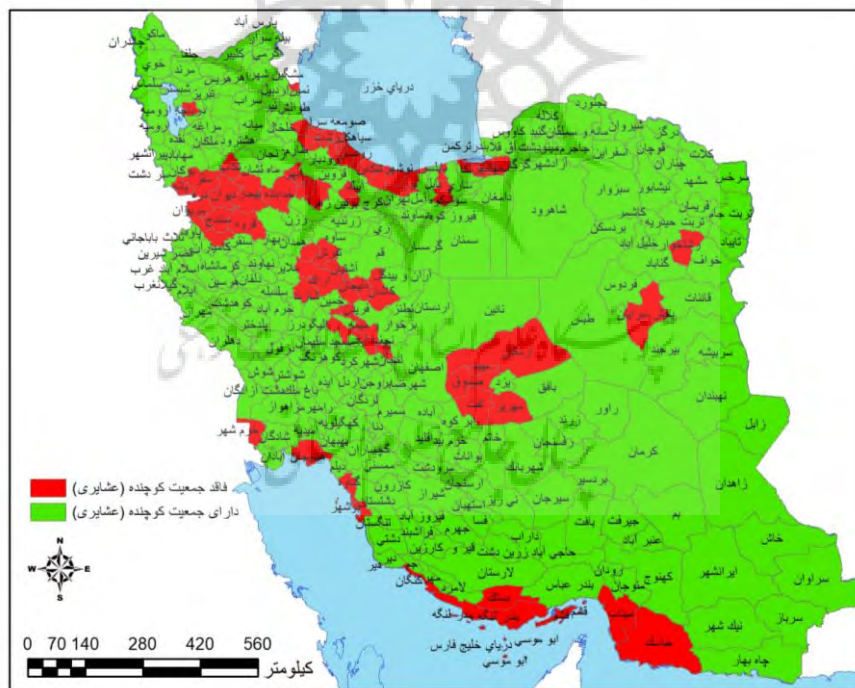
ردیف	استان	شهرستان			بخش			دهستان		
		تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری
۱	آذربایجان شرقی	۱۹	۱۸	۹۴٫۷	۴۲	۳۵	۸۳٫۳	۱۴۱	۸۸	۶۲٫۴
۲	آذربایجان غربی	۱۴	۱۳	۹۲٫۹	۳۶	۲۳	۹۱٫۷	۱۰۹	۹۱	۸۳٫۵
۳	اردبیل	۹	۹	۱۰۰	۲۵	۲۳	۹۲٫۰	۶۶	۵۲	۷۸٫۸
۴	اصفهان	۲۱	۱۴	۶۶٫۷	۴۴	۱۹	۴۳٫۲	۱۲۲	۳۲	۲۶٫۲
۵	ایلام	۷	۷	۱۰۰	۱۹	۱۹	۱۰۰	۳۹	۳۹	۱۰۰
۶	بوشهر	۹	۶	۶۶٫۷	۲۲	۱۰	۴۵٫۵	۴۳	۱۶	۳۷٫۲
۷	تهران	۱۳	۱۲	۹۲٫۳	۳۵	۲۷	۷۷٫۱	۷۹	۳۸	۴۸٫۱

ردیف	استان	شهرستان			بخش			دهستان		
		تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری	تعداد کل	تعداد با جمعیت عشایری	درصد با جمعیت عشایری
۸	چهارمحال و بختیاری	۶	۶	۱۰۰	۱۷	۱۴	۸۲,۴	۳۹	۳۲	۸۲,۱
۹	خراسان جنوبی	۷	۷	۱۰۰	۱۸	۱۸	۱۰۰	۴۸	۴۰	۸۳,۳
۱۰	خراسان رضوی	۱۹	۱۷	۸۹,۵	۶۲	۴۵	۷۲,۶	۱۵۵	۷۸	۵۰,۳
۱۱	خراسان شمالی	۶	۶	۱۰۰	۱۵	۱۵	۱۰۰	۴۰	۳۴	۸۵,۰
۱۲	خوزستان	۲۰	۱۷	۸۵,۰	۴۶	۳۶	۷۸,۳	۱۲۶	۷۹	۶۲,۷
۱۳	زنجان	۷	۴	۵۷,۱	۱۶	۷	۴۳,۸	۴۶	۱۱	۲۳,۹
۱۴	سمنان	۴	۴	۱۰۰	۱۲	۱۲	۱۰۰	۲۸	۲۲	۷۸,۶
۱۵	سیستان و بلوچستان	۱۰	۱۰	۱۰۰	۳۷	۳۶	۹۷,۳	۹۴	۹۲	۹۷,۹
۱۶	فارس	۲۴	۲۴	۱۰۰	۷۴	۶۷	۹۰,۵	۱۹۷	۱۵۲	۷۷,۲
۱۷	قزوین	۵	۲	۴۰,۰	۱۹	۵	۲۶,۳	۴۶	۸	۱۷,۴
۱۸	قم	۱	۱	۱۰۰	۵	۱	۲۰,۰	۹	۱	۱۱,۱
۱۹	کردستان	۹	۰	۰	۲۶	۰	۰	۸۳	۰	۰,۰
۲۰	کرمان	۱۶	۱۵	۹۳,۸	۴۵	۴۱	۹۱,۱	۱۴۲	۱۱۲	۷۸,۹
۲۱	کرمانشاه	۱۴	۱۴	۱۰۰	۲۹	۲۶	۸۹,۷	۸۵	۶۸	۸۰,۰
۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۵	۵	۱۰۰	۱۶	۱۶	۱۰۰	۴۱	۴۱	۱۰۰
۲۳	گلستان	۱۱	۸	۷۲,۷	۲۱	۱۱	۵۲,۴	۵۰	۱۷	۳۴,۰
۲۴	گیلان	۱۶	۲	۱۲,۵	۴۳	۵	۱۱,۶	۱۰۹	۷	۶,۴
۲۵	لرستان	۹	۹	۱۰۰	۲۶	۲۶	۱۰۰	۸۳	۷۷	۹۲,۸
۲۶	مازندران	۱۶	۵	۳۱,۳	۴۴	۷	۱۵,۹	۱۱۳	۱۰	۸,۸
۲۷	مرکزی	۱۰	۳	۳۰,۰	۱۸	۵	۲۷,۸	۶۱	۱۲	۱۹,۷
۲۸	هرمزگان	۱۱	۳	۲۷,۳	۳۳	۸	۲۴,۲	۸۰	۱۵	۱۸,۸
۲۹	همدان	۸	۸	۱۰۰	۲۳	۱۷	۷۳,۹	۷۲	۲۷	۳۷,۵
۳۰	یزد	۱۰	۵	۵۰,۰	۲۰	۶	۳۰,۰	۵۱	۸	۱۵,۷
جمع	کل کشور	۳۳۶	۲۵۴	۷۵,۶	۸۸۸	۵۹۰	۶۶,۴	۲۳۹۷	۱۲۹۹	۵۴,۲

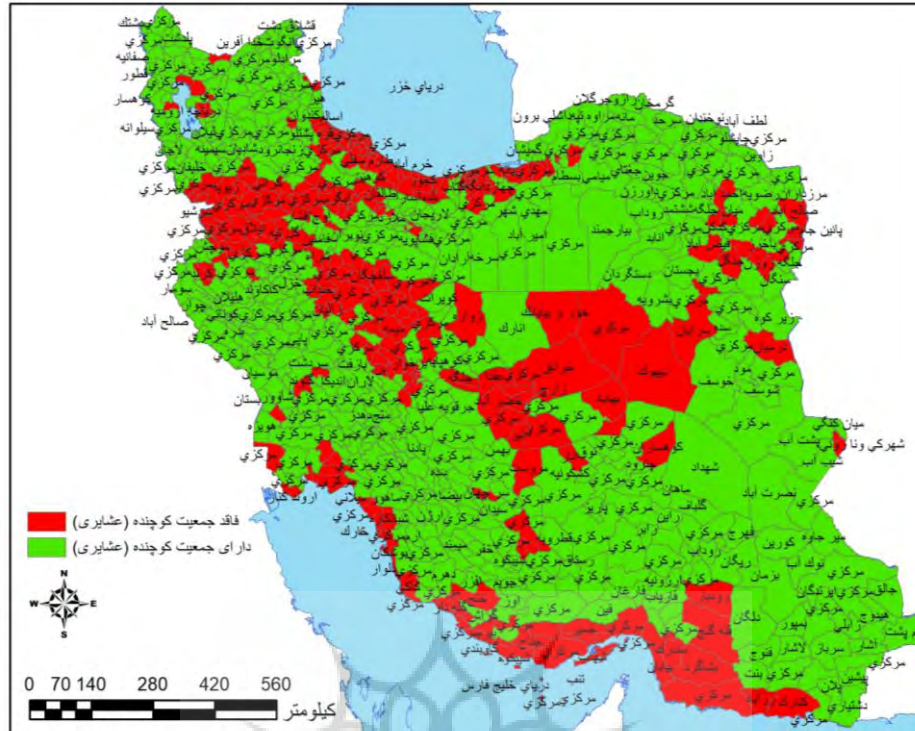
منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور



شکل ۹. نقشه قلمرو جغرافیایی کوچ نشینان ایران بر حسب استان براساس آخرین سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ کشور (مولائی هشیجین، ۱۴۰۰)



شکل ۱۰. نقشه قلمرو جغرافیایی کوچ نشینان ایران بر حسب شهرستان براساس آخرین سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ کشور (مولائی هشیجین، ۱۴۰۰)



شکل ۱۱. نقشه قلمرو جغرافیایی کوچ‌نشینان ایران بر حسب بخش براساس آخرین سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ کشور (مولانی هاشم‌نیا، ۱۴۰۰)

نتیجه‌گیری

ایران بنا به موقعیت ویژه و خاص جغرافیایی خود به عنوان یکی از مهمترین مناطق و نواحی کوچ‌نشین در جهان به شمار می‌رود و علیرغم کاهش تعداد و سهم جمعیت کوچندگان در مقایسه با جوامع یکجانشین شهری و روستایی در طی چند دهه اخیر هنوز به عنوان سومین جامعه انسانی مهم در کنار جوامع شهری و روستایی به شمار می‌رود.

هدف پژوهش حاضر تعیین قلمرو کوچ‌نشینان ایران به منظور جهت‌دهی مطالعات برنامه‌ریزی کوچ‌نشینان ایران توسط صاحب‌نظران، استادان و پژوهشگران حوزه کوچ‌نشین است. هرچند بکارگیری واژه قلمرو کوچ‌نشینان به مفهوم انجام پژوهش‌های علمی در قلمرو پراکنش جغرافیایی کوچندگان که اغلب در این قلمرو یکجانشین شهری و روستایی نیز توزیع شده‌اند است اثرات متقابل جوامع یکجانشین و کوچ‌نشین در قلمرو کوچندگان جزء مهمترین موضوعات مورد توجه پژوهشگران در این زمینه به شمار می‌رود.

پژوهش پیرامون ارتباط و پیوند جوامع کوچ‌نشین و یکجانشین شهری و روستایی با رویکرد توسعه پایدار و در ابعاد محیطی-اکولوژیک، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، نهادی-مدیریتی و کالبدی-فضایی مبتنی بر مسئله محوری و با مشارکت متخصصان مرتبط با این حوزه و بدون پرداختن صرف به جامعه کوچ‌نشینان از جمله اهداف این پژوهش می‌باشد.

با توجه به گسترش پراکندگی و توزیع جغرافیایی کوچ‌نشینان در سطح کشور با یک میلیون کیلومتر مربع مساحت نزدیک به ۶۰ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده است و قسمت عمده‌ای از قلمروهای ایل‌ی کوچ‌نشینان فضای زیستی مشترک با جوامع شهری و روستایی دارند و زمینه مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان برای همه متخصصین، صاحب‌نظران، پژوهشگران، دانش‌آموختگان و دانشجویان جغرافیا، جامعه‌شناسی، منابع طبیعی، شهرسازی، معماری، دامپزشکی و ... فراهم است.

منابع

- امان الهی، اسکندر، ۱۳۶۷، کوچ نشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران، چاپ دوم.
- صفی نژاد، جواد، ۱۳۶۸، عشایر مرکزی ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- طیعی، حشمت الله، ۱۳۷۱، مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر (نمونه موردی عشایر کرد) انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۶۶ نتایج تفصیلی کل کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۶۶ جمعیت عشایری دهستان ها - کل کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۶۶ نتایج استانی، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۶۶ نتایج ایلی، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۶۶ فرهنگ عشایری، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۷۷ - نتایج تفصیلی کل کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۷۷ - نتایج استانی، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۸۷ نتایج تفصیلی کل کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۸۷ نتایج استانی، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۸۷ نتایج ایلی، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۸۷ فرهنگ عشایری، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، گزیده نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده - ۱۳۸۷ کل کشور، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸، نتایج سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده کشور - ۱۳۸۷ جمعیت عشایری دهستانها، تهران.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۶۸، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده ۱۳۶۶، اطلس کوچک عشایری، تهران.
- مستوفی الممالکی رضا، ۱۳۷۷، جغرافیای کوچ نشینی (عمومی و ایران) با تأکید بر ایل فشقایی، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- مشیری، سید رحیم و مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۷۴، اقتصاد کوچ نشینان، رشته جغرافیا، دانشگاه پیام نور، درسنامه، تهران.
- مشیری، سید رحیم و مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۷۹، درآمدی بر اقتصاد کوچ نشینان ایران، انتشارات قومس، تهران.
- مشیری، سید رحیم و مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۸۶، اقتصاد کوچ نشینان ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- مشیری، سید رحیم، ۱۳۶۹، مسایل نوین قبیله ای (قومی) نومادیزم، مجله علمی- پژوهشی دانشنامه دوره عالی تحقیقات (دکتر)، دانشگاه آزاد اسلامی، سال اول شماره ۲.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۶۸، مقدمه ای بر برنامه ریزی در کوچ نشینی (مطالعه موردی: ایل بختیاری)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای انسانی- برنامه ریزی ناحیه ای، گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، تهران.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۷۰، عشایر استان چهارمحال و بختیاری و ضرورت برنامه ریزی آن، فصلنامه ذخایر انقلاب، سازمان امور عشایری ایران، شماره ۱۶، تهران.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۷۱، تحلیلی جغرافیایی از جمعیت کوچ نشین استان فارس، هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۷۶، تحلیلی جغرافیایی پیرامون ضرورت تحول شیوه موجود کوچ نشینی در ایران به ترانسهمانوس، مجله اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، دوره ۶، شماره ۲۴.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۷۷، تحلیلی پیرامون پراکندگی جغرافیایی کوچ نشینان بختیاری در بیلاق و قشلاق، مجله پژوهش های جغرافیایی، دانشگاه تهران، شماره ۳۵، صص ۶۸-۵۷.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۸۰، مبانی کوچندگی، پراکندگی جغرافیایی و اشکال کوچ نشینی در گیلان (مطالعه موردی: بخش اسالم تالش)، مجله دانشنامه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، شماره ۴۰ و ۴۱ بهار و تابستان.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۸۰، نظام عملکرد دامداری سنتی در جوامع نیمه کوچ نشینی غرب گیلان (مطالعه موردی: اسالم-تالش)، مجله فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر، شماره ۲، تابستان، صص ۱۰۸-۷۱.
- مولائی هنجین، نصرالله، ۱۳۸۲، تحلیلی پیرامون مدیریت چرای دام ها و آبخیزداری در قلمرو پهنه کوچ نشینان اسالم تالش، مجله اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، بهار، شماره ۴۵

مولائی هاشجین، نصرالله، ۱۳۸۴، الگوی زیست جمعیت و قشربندی اجتماعی-اقتصادی در کوچ نشینان گیلان: مطالعه موردی: بخش اسالم-تالش، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، شماره ۴، صص ۲۰۵-۱۹۱.

مولائی هاشجین، نصرالله، ۱۳۸۴، بررسی قلمرو ایلی در بین نیمه کوچ نشینان گیلان (مطالعه موردی: اسالم، تالش)، مجله سرزمین، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، سال دوم، بهار، شماره ۱ (پیاپی ۵)، صص ۱۰۶-۸۸

وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۸، سیمای عشایر کشور، سازمان امور عشایر ایران، صص ۶-۱

How to Cite:

Molaei Hashjin, N. (2021). An Analysis of the Nomadic area of Iran. *Studies of Nomads Area Plannig*, 1(1), 1-18.

ارجاع به این مقاله:

نصراله، مولائی هاشجین. (۱۴۰۰). تحلیلی پیرامون قلمرو کوچ‌نشینان ایران. *مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان*، ۱(۱)، ۱-۱۸.





Review Article

An Analysis of the Nomadic area of Iran

Nasrollah Molaei Hashjin^{1*}

¹: Professor Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

* Corresponding author, Email: nmolaeih@iaurasht.ac.ir

Receive Date: 06 May 2021

Accept Date: 09 June 2021

ABSTRACT

Introduction Due to its special geographical location, Iran is one of the most important nomadic regions in the world. As the cultural manifestations of the nomads have penetrated in all aspects of this country and it is a land that is familiar with nomads and despite the decrease in their number and share of population compared to urban and rural monogamous population throughout history, nomads are still the third most important community. They are considered alongside urban and rural communities.

Purpose of the research: Considering the geographical distribution of nomads in Iran and the need to determine the area of this community with a special method of activity and conducting specialized research and studies, the purpose of this study is to determine the area of Iranian nomads based on available sources and census results of nomadic tribes in 1987, 1998 and 2008.

Methodology Due to the review nature of the research, using the method of collecting data and information in a documentary-library method and the author's scientific experiences, the descriptive-applied research method to determine the area of nomads on a regional scale and political-national divisions Used.

Geographical area of research The geographical area of the present study is based on the results of the census of nomadic tribes with more than eight thousand years of history in Iran, which are distributed in all provinces of the country in the form of the whole tribal area or part of it.

Results and discussion Distribution of urban and rural population in tribal areas and the links and relations of these three communities in nomadic tribal areas and summer, winter and basaltic areas and the emergence of problems and issues in tribal areas, requires various research, problem-oriented and specialized Are different in the realm of nomads and the effects and consequences of life and the connection between nomadic, rural and urban communities.

Conclusion Nomads from the total area of Iran in an area of 963 thousand square kilometers, equivalent to 59% of the country's area are scattered and most of the nomadic territories have a common living space with rural and urban communities and the distribution of nomads in 29 provinces, 254 cities out of a total of 30 provinces and 368 cities with 93 and 69% in the form of 104 tribes and 524 independent tribes with 1.7% of the population, respectively, based on the results of the 2008 census of nomadic tribes confirms this.

KEYWORDS: Nomadic area, nomads, summer, winter, spring- autumn, Iran.